

كشف
صمیمیت و نزدیکی با خدا

كتاب راهنما

ترجمه و تالیف:

فریدون موفوف

© **Körpü**

Centre for Church Based Training-Turko Persian Region (CCBT-TPR)

URL; www.ccbt-tp.r.org

Email; contact@ccbt-tp.r.org

contact@korpu.net

حق هرگونه چاپ و کپی محفوظ است.

فهرست فصول

صفحه ۷	راهنمای موضوع اول: دامنه و وسعت تلاش
صفحه ۱۱	راهنمای موضوع دوم: شناخت آنچه ناشناختنی است
صفحه ۱۵	راهنمای موضوع سوم: خدا در عهد عتیق
صفحه ۱۹	راهنمای موضوع چهارم: خدا در عهد جدید
صفحه ۲۳	راهنمای موضوع پنجم: خدای ما، خدای حاکم است
صفحه ۲۷	راهنمای موضوع ششم: خدای ما قدوس است
صفحه ۳۳	راهنمای موضوع هفتم: خدای ما محبت است
صفحه ۳۷	راهنمای موضوع هشتم: خدای پدر
صفحه ۴۱	راهنمای موضوع نهم: خدای پسر
صفحه ۴۵	راهنمای موضوع دهم: خدای روح القدس
صفحه ۴۹	راهنمای موضوع یازدهم: دوست داشتن خدا
صفحه ۵۳	راهنمای موضوع دوازدهم: دوست داشتن مردم
صفحه ۵۷	ضمایم

موضوع اول: دامنه و وسعت تلاش

لطفاً به ضمایمی که در انتهای این راهنما آمده است، توجه کنید. نکاتی که در آن مطرح شده‌اند، شما را در ارزیابی و بهبود بحث گروهی کمک خواهد کرد.

اهداف

- مشخص کردن این مطلب که بر اساس کتابمقدس، منظور از «شناخت خدا» چیست.
- درک اهمیت این مطلب که از آشنایی صرف با خدا باید فراتر رفت و با او رابطه‌ای صمیمانه ایجاد کرد.
- کشف طرقی که بدانها بتوان با خدا صمیمی شد.

توضیحات مقدماتی

موضوع اول زمینه را برای موضوعات بعد آماده می‌کند. این موضوع سوال کلیدی را مطرح می‌نماید: آیا واقعا خدا را می‌شناسید؟ آیا او را به همان اندازه همسر و یا دوست خود می‌شناسید؟ چه چیزی مانع می‌شود که او را به شکلی صمیمانه‌تر شناسید؟

موضوع سپس ادامه داده و با این سوال به جان شما آتش می‌زند: چگونه می‌توانید با خدا صمیمی گردید؟ این موضوع این فرصت را برای هر کس بوجود می‌آورد که خود را ارزیابی کنند و ببینند که در رابطه خود با خدا کجا قرار دارند. در خلال این درس حتماً کاغذ و قلم برداشته و یادداشت کنید. زیرا همان چیزهایی که مردم را از صمیمی شدن با خدا مانع می‌شوند، همانهایی هستند که می‌خواهیم مردم را به کار بر روی آنها تشویق کنیم. به عنوان رهبر گروه، ببینید که کدام دروس از کتاب ۲ در کشمکشی که افراد دارند، مفید و مؤثر است و در موقع مناسب توجه آنها را به این دروس جلب کنید.

هدف موضوع اول این است که مردم را به رابطه‌ای بسیار صمیمی‌تر با خدا بکشاند. خود درس به خوبی معلوم می‌دارد که خدا خود به دنبال ماست و می‌خواهد که با ما در رابطه‌ای صمیمی باشد. اکنون تصمیم با ماست که با این خواست او چه کنیم. این درس دروازه‌ای است به دیگر دروس این

کتاب که در آنها شخصیت خدا را هم در سطحی الهیاتی و هم در سطحی شخصی مطالعه خواهیم کرد. هدف ما این نیست که مردم تنها در مورد خدا بدانند. بلکه می‌خواهیم خدا را بشناسند. فرق این دو با هم، به این می‌ماند که شما عکسی از کسی دیده باشید و یا کتابی در مورد زندگی او خوانده باشید، تا اینکه زندگی خود را با او گذرانیده باشید.

در شروع کار

غذا همیشه طریق خوبی برای شروع است. غذا باعث می‌شود که مردم خود را بیشتر راحت احساس کنند و مشارکتی بهتر داشته باشند. به ایجاد و اعتلای سازگاری در میان افراد وقت دهید، به ویژه در شب اول.

دعا. لیست موارد دعا تهیه کنید و افراد را تشویق نمایید که آنها هم چنین لیستی را برای خود به وجود آورده و در حین دوره جهت دعا به یکدیگر بدهند. به آنها نشان دهید که لیست دعا چگونه باید باشد. (دعا و وقت مشارکت نباید بیشتر از ۳۰ دقیقه باشد)

به افراد **یادآوری** کنید که نقش شما صرفاً تسهیل‌گری است و آنها را به شرکت در مباحثات تشویق نمایید تا بدین ترتیب از یکدیگر بیاموزند. هیچ فکر و یا سوآلی را نباید بی‌اهمیت تلقی کرد.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

شروع سوآلات - «آیا می‌توانید بگویید که خدا را بهتر از همسر، شغل و یا دوستان خود می‌شناسید؟» اجازه دهید که افراد تفکرات خود را در این زمینه ابراز دارند و علت این امر را هم که چرا چنین حسی ندارند و او را بهتر از همسر و فرزندان خود نمی‌شناسند، بیان نمایند.

نمونه جهت مطالعه

نمونه‌ای را که از جعفر جهت مطالعه عرضه شده است، بررسی کنید. آیا در میان افراد کسی هست که وضعیتی همانند جعفر داشته باشد؟ چه مشورتی می‌توان به جعفر داد که او را در زندگی و سلوک او با خدا تشویق نماید؟

کوچک ولی مقوی

از کسی بخواهید که مورد چهارم از این بخش را توضیح دهد. «فردی که به سادگی کلام را می‌خواند و به موعظه‌ها گوش فرا می‌دهد و از روح‌القدس نیز پر می‌باشد، آشنایی بسیار عمیقتری را با خدا و منجی خود پرورش خواهد داد تا محقق زبردستی که از نظر الهیاتی به درست بودن خود بسنده کرده است.» به گروه اجازه دهید که قدری در مورد این مطلب با هم صحبت کنند و کاربرد آن را در زندگی خود بررسی نمایند.

دیگر منابع

از گروه نظر آنها را در رابطه با مقاله «توزر» و «پکر» سؤال کنید. شاید بخواهند به جنبه‌هایی که بر آنها اثر عمیق گذاشته است، اشاره کنند.

بحث موضوع

(در این موضوع سوالات زیادی به جهت بحث وجود دارند که وقت اجازه نخواهد داد. در بخش راهنمای معلم، ما به چند سؤال انتخابی اشاره کرده‌ایم که شاید بخواهید از آنها استفاده کنید. در هر حال خود را در انتخاب سوالاتی که برای گروهتان مفید است، آزاد احساس کنید.)

سوالات ۱ و ۲ می‌توان با هم مطرح و روی آنها تبادل نظر کرد: ببینید در چه زمانی افراد در گروه، خود را بیش از هر زمان دیگر به خدا نزدیک و یا از او دور احساس می‌کرده‌اند. از آنها علت این امر را جویا گردید. اگر می‌خواهید در این زمینه بیشتر جلو روید، شاید بتوان از آنها خواست که در بخش «شکل بخشی به پاسخ» در این زمینه صحبت کنند.

سخن آغازین **توزر** «وقتی که در مورد خدا می‌اندیشید، چه چیزی به فکرتان خطور می‌کند؟» شاید مقدمه خوبی برای **سوال ۳** باشد. از مقاله توزر می‌توانید این مطلب را نیز نقل قول کنید: «عصاره بت‌پرستی داشتن آنگونه تفکر در مورد خداست که شایسته او نیست.»

اگر بخواهید این بحث را بیشتر بسط دهید، می‌توانید از گروه بخواهید که در بخش «شکل بخشی به پاسخ» جواب **سوال ۳** را ادامه دهند.

سوال ۵ باید این موضوع را بیشتر شخصی نماید. به افراد در گروه جهت پاسخ به اندازه کافی وقت دهید. شاید بخواهید که در این مقطع برای یکدیگر دعا کنید.

جمع بندی

سوال ۹ در بخش «بحث موضوع»، طریق خوبی جهت فیصله دادن به مباحثه است. این سوال از گروه پیشنهاد می‌طلبد، پیشنهاداتی که بدانها بتوانند یکدیگر را در تلاش برای داشتن رابطه صمیمی با خدا کمک کنند. وقت داده، برای یکدیگر دعا کنید.

موضوع ۲ را مرور نمایید. به گروه اهمیت آمادگی به جهت موضوع بعد را یادآور شوید.

از یک نفر داوطلب بخواهید که مسئولیت چای و قهوه و شیرینی هفته بعد را به عهده گیرد.

موضوع دوم:

شناخت آنچه که ناشناختنی است: تثلیث اقدس

اهداف

- مات و انگشت به دهن از عجایب خدای ناشناختنی مان.
- تمجید و حمد خدای ناشناختنی که شناختی بسیار شخصی از خود را برایمان ممکن ساخته است.
- کشف این حقیقت که علیرغم وجود امکان شناخت خدا، هرگز قادر نخواهیم بود که او را به شکل کامل بشناسیم.
- رسیدن به درکی عمیقتر از تثلیث و ارج گذاری به آن
- تغییر زندگی در اثر کسب فهم از ماهیت خدای تثلیث

توضیحات مقدماتی

عنوان این موضوع در نگاه اول ممکن است عجیب و غریب جلوه کند. چگونه می‌توانیم در مورد شناخت کسی صحبت کنیم که ناشناختنی است؟ اگر خدا واقعا غیر قابل شناخت است، پس چرا موضوع اول، شناخت خدا را در اولویت قرار می‌دهد؟ فراتر از آن، اگر خدا ناشناختنی است، چرا یک دوره کامل را با بررسی این موضوع هدر دهیم؟

زمانی که به انتهای این دوره برسیم، امیدمان این است که مناسب بودن این عنوان را ثابت کرده باشیم و ارزش گذراندن این دوره هم مشخص شده باشد. حقیقت عجیب این است که با اینکه خدا به راستی در ماورای قدرت درک ما قرار دارد، ولی عمیقاً مشتاق است که ما او را به صورتی شخصی بشناسیم و برای ممکن ساختن آن هر آنچه را که لازم بوده، انجام داده است

در موضوع دوم دو قسمت مهم وجود دارند: خدا در ماورای قدرت فهم و درک ما قرار دارد. اولین چیزی که باید درک کنیم، همین است. اگر ما در رابطه با خدا به همه چیز دست یابیم، آیا

او واقعا خدا خواهد بود؟ خدا به شکلی نامتناهی نامحدود است و نمی‌توان او را در چارچوب قرار داد. بسیاری از مواقع دیدگاههایی کاذب و مخدوش از خدا داریم که بیشتر به خود ما شبیه است تا به او. دیدگاهها و فرضیاتی را که افراد در گروه در رابطه با خدا دارند، به بحث بگذارید. این مطلب را چنان انجام دهید که در پایان آن در افراد حس حرمتی عظیم نسبت به خدا به وجود آید و او را پرستش کنند.

یکی از طرق انجام اینکار مطالعه مطلب تثلیث است که دومین مطلب مهم این موضوع به شمار می‌رود؛ ایده خدای واحد که در سه شخصیت می‌باشد و با اینحال از درک و فهم ما کاملا فراتر، لیکن خدای حقیقت و بخشی جدا نشدنی از ایمان ما. ماهیت خدای تثلیث در قلب ایمان مسیحی قرار دارد و داشتن درکی صحیح از آن کاملا ضروری است.

به هر دو قسمت مهم نگاه کنید و سعی کنید به نحوی بین درک و شناخت خدا و این حقیقت که به شکل کامل قادر به شناخت او نخواهیم بود، تعادل ایجاد کنید.

در شروع کار

دیگر منابع

در مقابل مقاله «پرونده شخصیت» به قلم فیلیپ یانسی از افراد پاسخ بطلبید.

هضم موضوع

آنچه را که از جان وسلی در بخش «کوچک ولی مقوی» آمده است، به بحث بگذارید. افراد در این مورد چه می‌گویند، آیا مخالفند و یا موافق؟ چرا؟ کاربردهای این بیانیه چگونه است؟

زمانی خوبی خواهد بود که از افراد، نظری را که با مطالعه سه متن پیشنهادی از کتابمقدس بدانها دست یافته‌اند، با دیگران در میان گذرند.

پیشنهاداتی به جهت زمان بحث

هضم موضوع

«نمونه به جهت مطالعه» را با هم بخوانید و مطلبی را که «لاله» مطرح می‌کند، به بحث بگذارید. در حین عمل تشویق کنید که همه صحبت کنند و متون مناسب آنها را از کتابمقدس بخوانید. آنچه را که در بخش «شکل بخشی به پاسخ» نوشته‌اند، به بحث بگذارید.

بحث موضوع

بعد از بحث روی نمونه‌ای که عرضه شد، سوال ۴ می‌تواند به عنوان خلاصه‌ای از آنچه که گروه از داکترین تثلیث درک می‌کند، بکار رود.

از سوال ۵ جهت فهم بیشتر آنها از تثلیث استفاده کنید. شاید یادآوری این مطلب مفید باشد که بعضی اوقات فهم و درک آنچه که باور نداریم به همان اندازه فهم باورهایی که داریم، مهم هستند. این مطلب بویژه در امر تثلیث صادق است.

سوال ۶ تعلیم پیچیده تثلیث را شکافته و آن را به صورت کاربردی و عملی در می‌آورد. همانطور که بحث می‌کنید، ممکن است نیاز باشد که برخی از افراد در برخی از مقوله‌ها بیشتر فکر کنند. مثلاً، مقوله تثلیث به موضوع ازدواج ما چگونه مربوط می‌گردد؟ و یا به اتحاد ما به عنوان کلیسا؟ و نیز به گوناگونی‌های ما در کلیسا؟

جمع بندی

- جلسه را با کاری که هرکس در مورد «شکل بخشی به پاسخ» انجام داده است، به پایان رسانید. به هر فرد در گروه فرصت دهید تا افکار خود را با دیگران در میان گذارند. و سپس قدری در پرستش این خدای ناشناختنی‌مان که خود را به شکل خدای واحد مرکب می‌شناساند، بمانید و او را بخاطر آشکار سازی خود به ما و اشتیاق به جهت ایجاد رابطه با ما ستایش کنید.

- «گامهایی به جهت اطاعت» را در نظر داشته باشید. هدف تمامی این بحث‌ها تغییر زندگی است، بنابراین همیشه در جهت یافتن طرقی که در آنها این موضوع در تغییر زندگی مفید افتد، هشیار باشید.

- موضوع سوم را مرور کنید: شناخت خدا در عهد عتیق

موضوع سوم: خدا در عهد عتیق

اهداف:

- با توجه به آنچه که خدا در عهد عتیق از خود آشکار کرده است، در شناخت خود نسبت به او رشد کنیم.
- نتایج گناه بشر را درک کنیم و عمق کردن اراده خدا را در زندگی بشر ببینیم.
- به کار بی نظیری که خدا در رابطه با کسانی که آنها را خلق کرده و محبت نموده است، ارزش دهیم.

توضیحات مقدماتی

در موضوع ۱ احتیاجی را که به جهت داشتن رابطه با خدا داریم، مشاهده کردیم. در موضوع ۳ و ۴ خواهیم دید که خدا در سراسر تاریخ چگونه به دنبال آن بوده که با ما در رابطه‌ای صمیمی و نزدیک باشد.

اهمیت مشاهده خدا در عهد عتیق بیش از پیش خود را بزرگ می‌نماید، به ویژه به دلیل عقاید و نقطه نظرهای غلطی که در رابطه با خدای عهد عتیق ابراز می‌شوند. اگر از مردم بپرسید که خدای عهد عتیق را چگونه توصیف می‌کنند، بسیاری در جواب خواهند گفت؛ عهد عتیق کتابی است مملو از خشونت و خدای آن هم خدایی است خشن و حداد. و زمانی که فرد به عهد جدید می‌نگرد، داشتن این گونه تصویر از خدا، او را بیشتر به گیجی می‌کشاند؛ چرا که تصویر متفاوتی از خدا را در آن مشاهده می‌کند. آیا خدا در مسیر عهد عتیق به عهد جدید به نحوی تغییر کرده است؟ به هیچوجه! اشتیاق خدا از همان اول بر این بوده است که رابطه‌ای صمیمانه و بر اساس محبت با ما داشته باشد. آنچه که خدا از خود در عهد عتیق آشکار می‌کند، از اهمیت والایی برخوردار است.

در شروع کار

- یکی از بهترین طرق شروع این درس، مطرح کردن این عقیده غلط در رابطه با خداست که خدای عهد عتیق را خشن و بیرحم می‌داند؛ حال آنکه خدای عهد جدید، خدایی فیاض و

رحیم می‌باشد. این سؤال را مطرح کنید: «آیا خدای عهد عتیق همان خدای عهد جدید می‌باشد؟»

- از گروه بخواهید که نظر خود را در رابطه با مقاله «دلداده زخمی» به قلم «فیلیپ یانسی» را بیان دارند.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

بر اساس آنچه که افراد گروه مطالعه کرده است، نظری را که در رابطه با خدا و بشر دارند، جویا گردید. نظرات آنها شاید به طریق زیر طبقه‌بندی گردد:

شخصیت خدا

یکی از جنبه‌های شخصیت خدا این است که او عوض نمی‌شود. جنبه‌های مختلف از شخصیت او شاید در مواقع مختلف به صورتهای متفاوت خود را نشان دهند، ولی خدا هیچوقت عوض نمی‌شود.

جنبه دیگر شخصیت خدا، احساس اوست. خدا دوست می‌دارد، خدا ناراحت می‌شود، در مقابل مردم از نظر احساسی عکس‌العمل نشان می‌دهد. متون مذکور از کتاب مقدس، نمونه‌هایی که به جهت مطالعه عرضه می‌شوند، و مقالات همه به این نکته اشاره دارند: خدا از احساسات برخوردار است.

جنبه سومی که باید بدان توجه کنیم، شکیبایی و رحمت خداست. خدا همیشه به دنبال ماست، ولی هیچوقت خود را به زور به ما تحمیل نمی‌کند. این سخن با تعبیری که بسیاری از مردم از عهد عتیق دارند، مخالف است. لیکن حقیقت این است که در عهد عتیق به خوبی رحمت خدا را از داوری او بزرگتر می‌بینیم.

گناهکاری بشر

گناهکاری بشر موجب نزول داوری عادلانه خدا گردیده است و بنا نهادن این حقیقت بسیار مهم می‌باشد. گناه، تمامی بشر را از شکل انداخته و همه را لکه‌دار نموده است. چنانکه «یانسی» نیز در مقاله خود می‌گوید: «خدا است که به او خیانت شده است. کسی که در این رابطه به خیانت روی

آورد، اسرائیل بود نه خدا.» خدا نه فقط از گناه نفرت دارد، زمانی که ما نیز گناه می‌ورزیم، به شدت ناراحت می‌شود (پیدایش ۶: ۶)

بحث موضوع

(بیاد داشته باشید که تعداد سوالات بیش از آن خواهد بود که وقت اجازه دهد. قسمت راهنما شما را در بحث روی موضوعات اصلی کمک خواهد کرد. با اینحال خود را مقید احساس نکنید و اگر سوالات بجایی هستند که بحث بر روی آنها را به جهت گروه مفید می‌دانید، به آنها هم وقت دهید.)

سوالات ۱ و ۲ بر اساس تعلیماتی است که در دروس گذشته در رابطه با خدا و انسان دیدیم. سؤال ۲ می‌تواند ما را به پرستش بکشاند، به طوری که لحظاتی را به این مطلب وقت دهیم. می‌توانید از چند نفر بخواهید که نوشته‌های خود را در قسمت «شکل بخشی به پاسخ» برای دیگران بخوانند. لحظاتی وقت دهید و خدا را بخاطر مهربانی و شکیبایی بیش از حد او شکر کنید.

برای جواب به **سؤال ۳**، درکی درست و کامل از عهد عتیق لازم است. با اینحال می‌توانید با گروه دوباره به متونی بروید که در بخش «مطالعه کتابمقدس» آمده است و جنبه‌های محبت عظیم خدا را مشخص دارید.

سؤال ۵ باید گروه را به راز شکیبایی خدا بکشاند.

سؤال ۱۰ برخی از شناخت خدای عهد عتیق را در زمینه دنیای امروز قرار می‌دهد (اینکه، علیرغم انکار خدا از جانب اسرائیل، خدا، محبت اصیل و راستین را از خود نمونه گذاشته است). اگر بخواهیم از خدا نمونه برداریم، روابط ما به چه صورت در می‌آید؟ به بررسی این سؤال به قدر کافی وقت دهید.

جمع بندی موضوع

گامهایی به جهت اطاعت

مطالعه این موضوع مسلماً بر عقیده‌ای که گروه در رابطه با خدا دارند، اثر گذاشته است. از آنها بخواهید که جوابهای خود را در قسمت «گامهایی به جهت اطاعت» بیان دارند. پنج دقیقه به این مطلب وقت دهید و سپس برخی از آنها را مطرح، و جلسه را با دعا به پایان برید.

موضوع ۴ را مرور کنید: خدا در عهد جدید

موضوع چهارم: خدا در عهد جدید

اهداف

- فهم این مطلب که خدا از ابتدا تا کنون به دنبال ایجاد رابطه با انسان بوده است.
- مشخص کردن اینکه خدا به جهت تجلی محبت خود تا کجا پیش خواهد رفت.
- کشف بعدهایی از صمیمیت و نزدیکی به خدا که بخاطر آمدن عیسی مسیح و کار روح القدس برای ما میسر گشته است.
- کشف کاربردهای رابطه آینده ما با خدا زمانی که او را روبرو می‌بینیم.

توضیحات مقدماتی

موضوع چهارم بسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد که خدا به جهت ایجاد رابطه صمیمی و نزدیک با ما تا کجا پیش خواهد رفت. او جان خود را برای ما فدا کرده است. بخاطر عیسی مسیح است که ما می‌توانیم به طریقی کاملاً جدید با خدا رابطه داشته باشیم. مسیح چگونه خدا را به طریقی جدید آشکار می‌کند و این امر در رابطه ما با او چه اثری دارد؟ این موضوع تلاش به جواب این سؤال دارد، زیرا اگر این مطلب را درک کنیم، در ما به جهت داشتن صمیمیت و نزدیکی با خدا اشتیاق زیادی بوجود خواهد آمد.

اگر فقط بخواهیم از موضوع‌های ۳ و ۴ دو مطلب بیرون کشیم، این دو مطلب اول باید از تفاوتی سخن گویند که مسیح در رابطه ما با خدا ایجاد کرد. او عفو الهی را برای ما آورد و در رابطه ما با خدا طریقی کاملاً جدید عرضه داشت. او این امر را از طریق جامه عمل پوشانیدن شریعت انجام داد و ما اکنون در مسیح از نظر خدا صالح به حساب می‌آییم. او، آن کاهن اعظم ماست که ما را درک می‌کند و در دست راست خدا حضور دارد و برای ما شفاعت می‌کند.

مطلب دوم نقش روح القدس بعد از صعود عیسی به آسمان می‌باشد. روح القدس دیگر بدان شکلی که در عهد عتیق بود، در میان ما ساکن نمی‌شود. او اینک در ما ساکن می‌شود. از این رو نیز می‌توانیم با خدا رابطه‌ای بسیار صمیمی و نزدیک داشته باشیم، چرا که روح القدس همیشه حضور دارد.

در شروع کار

نمونه‌ها به جهت مطالعه

نمونه‌ای را که از شهین آمده است، **بخوانید** و سوالات او را در میان خود به بحث بگذارید. جواب این سؤال را با دیگران در میان گذارید: «موضوع و یا سؤال اصلی مطرح برای ما چیست؟»

پیشنهادات به جهت زمان بحث

دیگر منابع

در رابطه با مقاله «خدا در تعقیب انسان» از گروه **نظر خواهی** کنید. از آنها بخواهید که قسمتهایی را که برایشان بسیار با معنی بوده است، بخوانند. اینکار ممکن است منتج به این گردد که به چندی از سوالات «بحث موضوع» پاسخ گویند. می‌توانید از گروه بخواهید که آنچه را که در بخش مورد ۲ «شکل بخشی به پاسخ» نوشته‌اند، با دیگران در میان گذارند.

از «دائرة المعارف کتابمقدس» آن قسمت را که از رابطه عهد جدید و عتیق سخن می‌گوید، برای دیگران **بخوانید**. برای اینکار می‌توانید از یکی از اعضا گروه استفاده کنید.

مطالعه کتابمقدس

ببینید کدامیک از متون عرضه شده برای افراد در گروه از معنی بخصوصی برخوردار بوده است.

بحث موضوع

سوال ۱ از جایی که مردم هستند، شروع می‌کند. عناصر کلیدی یک رابطه موفق کدامند؟ روی آنها بحث کنید.

سوال ۴ طلب می‌کند که در مورد صمیمیت و نزدیکی با خدا بین عهد عتیق و عهد جدید مقایسه‌ای صورت گیرد. به ضمیمه‌ای که در این مورد در آخر این کتاب آمده است، توجه کنید.

سوال ۶- اینکه خدا به شدت در تعقیب و طلب شماست، در شما چه احساسی بوجود می‌آورد؟ چه مطلبی بیشتر از هر چیز بر شما تأثیر دارد؟ جواب به این سوالات شاید هم تا به حال مطرح شده باشد. اگر چنین نیست، آن را به بحث بگذارید. شاید بی‌مورد نباشد که لحظاتی را هم به پرستش تخصیص دهید.

سوال ۹ ما را از این دنیا می‌کند و از گروه می‌خواهد که صمیمیتی را که قرار است در آسمان با خدا داشته باشند، در ذهن خود تصور کنند. در این رابطه به مقاله «جف جونز» رجوع کنید.

جمع بندی موضوع

در زیر مقایسه‌ای عرضه می‌شود که بین عهد عتیق و عهد جدید صورت گرفته است.

عهد جدید	عهد عتیق
ارمیا ۳۱، عبرانیان ۸، رومیان ۹، لوقا ۲۲	خروج ۱۹: ۵ (شریعت)
بر اساس شریعت نوشته نشده	بر اساس اعمال
شناختی نزدیک، مشارکت، عفو، و آشتی	می‌توانست بشکند
حیات ابدی می‌بخشد	حیات نمی‌بخشید
بر الواح دل نوشته شده	روی الواح سنگی نوشته شد
داخلی	خارجی
تک ضلعی و یک طرفه	قانون (بکن و نکن)
احساسات مبتنی بر محبت	احساسات مبتنی بر ترس

بی‌قدرت

روح‌القدس

هدف هر دو عهد این بود: «من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.» شامل شدن کلیسا در این عهد تازه بر اساس رومیان ۹: ۳۰، رومیان ۱۱، و عبرانیان ۸ - ۱۰ می‌باشد. گرچه اسرائیل خدا را رد کرد (متی ۲۲، لوقا ۱۴: ۱۵)، لیکن در زمان آخر عهد خود را دوباره برقرار خواهد کرد.

موضوع پنجم: فدای ما، فدای ماکم است

اهداف

- کشف آنچه که کتابمقدس در رابطه با حاکمیت خدا می گوید.
- امتحان این نظر که خدای حاکم، این آزادی را به ما عطا می کند که چگونگی عمل خود را در مقابل او با اراده‌ای آزاد اختیار کنیم.
- پاسخ به این سؤال: «اگر خدا حاکم است، پس زمانی که افراد معصوم رنج می کشند، کجاست؟»
- درک اثر این باور در زندگی خود که خدا کنترل هر چیزی را بدست دارد.
- همسو کردن افکار و اعمال خود با اصل حاکمیت خدا.

توضیحات مقدماتی

این موضوع حائز اهمیت فراوانی است، زیرا با یکی از موانع اصلی در ایجاد صمیمیت با خدا سروکار دارد. اگر خدا، به همه چیز قادر است و ما را نیز بسیار دوست می دارد، پس چرا اتفاقات هولناک روی می دهند؟ اگر خدا همه چیز را در کنترل دارد، پس چرا مردم به جهنم می روند؟ حاکمیت خدا سوالاتی بیشتر از اینها را در برمی گیرد، لیکن این سوالات ما را کمک خواهند کرد تا جنبه‌های دیگر حاکمیت الهی را درک کنیم. معمای این موضوع در این است: آیا خدا بر مسند کنترل نشسته است یا نه؟ آیا خدا واقعا همان کسی است که ادعا می کند؟ آیا می توان به او اعتماد کرد؟ هر کسی بلاخره یک روز باید با این موضوع روبرو شود، زیرا هر آنچه که در رابطه با حاکمیت خدا باور داریم، بر تمام جنبه‌های رابطه ما با او اثر خواهد گذاشت.

گرچه این درس نقاط عطف مختلفی خواهد داشت، لیکن چند نکته بنیادی را لازم است در همین آغاز مطرح کنیم. اولین حقیقت این است که این ما هستیم که تحت اقتدار خدا قرار نداریم، نه او. اغلب زمانی که به رویدادهای ناگوار نگاه می کنیم، در مورد حاکمیت خدا به شک می افتیم و تمامی رویدادهای خوب را از یاد می بریم و یا به آنها بی توجه می شویم. حال آنکه، حاکمیت خدا باید ما را

به پرستش بکشاند، نه بخاطر اینکه به مراد می‌رسیم، بلکه به این جهت که خدا در مسند کنترل است و ما را دوست می‌دارد. باور کردن حاکمیت خدا، یقین عظیمی را به دل‌های ما می‌ریزد.

جنبه دیگر موضوع که نیاز به بررسی دارد، این است که آیا شرارت و بدی را خدا بوجود آورده است؟ حقیقت مطلب این است که خدا گرچه به شرارت و بدی اجازه می‌دهد، ولی هنوز هم ما را در مقابل اعمالمان مسئول می‌شمارد. مقاله «تونی ایوانز» در رابطه با این سؤال که چرا خدا به شرارت و بدی اجازه می‌دهد، بسیار روشن‌گر است. شرایط و وقایعی هستند که ما قادر به درک آن نخواهیم بود. هیچ کس نمی‌تواند به شکلی قانع کننده این سؤال را که «چرا چیزهای هولناک بر یک عده اتفاق می‌افتند و بر دیگران روی نمی‌دهند»، پاسخ گوید. باید قبول کنیم که نمی‌توانیم طریق خدا را به شکل کامل بفهمیم.

خوب است که به مردم این مطلب را یادآور شویم که خدا به ما به جهت اتخاذ برخی تصمیمات بخصوص، آزادی عطا کرده است. معهذاً، خدا هنوز هم می‌تواند شرایط ما را طوری به کار گیرد که اهداف خود را از طریق ما و در ما جامه عمل پوشاند.

در شروع کار

کوچک ولی مقوی

بینید که افراد گروه با کدامیک از نظریات موافق و مخالف‌اند و چرا؟

نمونه به جهت مطالعه

از کسی بخواهید که نمونه عرضه شده را با صدای بلند بخواند و سوالاتی را که اینگونه شرایط در ذهن ما ایجاد می‌کنند، به بحث بگذارد.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتاب مقدس

از متون کتابمقدس دو متن را انتخاب کنید و از گروه بخواهید که آنچه را که این دو متن در مورد حاکمیت خدا می‌گویند، با یکدیگر بحث کنند. طبیعتاً بهتر آن است که قبل از اینکه دیگران نظر خود را ابراز دارند، با آنچه که کلام خدا می‌گوید، شروع کنید.

بحث موضوع (سوالات زیادی به جهت بحث خواهند بود که وقت به آنها اجازه نخواهد داد. در اینجا به برخی از سوالات کلیدی اشاره می‌کنیم.)

سوال ۱- منظور ما از این سخن که «خدا حاکم است» چیست؟ از گروه بخواهید که جواب خود را که به جهت سوال یک «شکل بخشی به پاسخ» نوشته‌اند، بخوانند. شاید بخواهید که گروه روی آنچه که «تونی ایوانز» در رابطه با حاکمیت مطلق خدا نوشته است، تبادل نظر کنند.

جنبه دیگر حاکمیت خدا در این است که او با تمام چیزهایی که خلق کرده، به طریقی سروکار دارد که بدان، خلقت را ابقا و اهداف خود را به انجام می‌رساند.

سوال ۲ رابطه بین حاکمیت خدا و موجودیت شرارت و بدی را در این جهان به بررسی می‌کشد. مقاله «تونی ایوانز» در این رابطه کمک مؤثری است. شاید بخواهید در پیدایش ۴۵ و ۵۰ پاسخ یوسف را در مقابل شرارتی که با آن روبرو شد، مرور نمایید.

در خلاصه کردن جواب افراد در گروه راجع به موجودیت شرارت در این دنیا، اصول زیر را در ذهن داشته باشید:

۱- خدا از هر چیز برای انجام اهداف خود استفاده می‌کند. خدا شرارت و بدی را به جهت جلال خود و خیریت ما به کار می‌گیرد. داستانهایی نظیر داستان ایوب و یوسف این مطلب را تصویر می‌کنند. شریرت‌ترین حادثه تاریخ بشر که مصلوب شدن عیسی مسیح باشد، وسیله‌ای بود که خدا بدان بخشش را نثار بشر نمود.

۲- خدا قادر به بدی نیست و هرگز نباید او را بخاطر وجود شرارت و بدی مورد ملامت قرار داد.

۳- موجودات اخلاقی نظیر انسانها و فرشتگان در مقابل بدی و شرارت که مرتکب می‌شوند، مستحق ملامت و داوری هستند. در هر شرایطی که به بدی دست دراز کنیم، در نتیجه تصمیمی خواهد بود که خود می‌گیریم.

سوالات ۴ و ۵ در مورد حاکمیت خدا و اعتماد ما بر او سخن می‌رانند.

سوال ۸ توجه شما را به مقاله «آندرز» جلب می‌کند. جواب به این سوال را بیابید. از گروه بخواهید که قسمتی را که در مقاله «آندرز» بسیار مفید می‌یابند، بیان کنند. سوال ۱۰ رنج و عذاب را به مصلوب شدن عیسی مسیح مربوط می‌کند. ببینید «آندرز» در این مورد چه می‌گوید.

جمع بندی

- وقت بدهید و سه قسمت بخش «گامهایی به جهت اطاعت» را پر کنید.
- جهت خاتمه درس نقطه خوب دیگر، بازگشت به بخش «شکل بخشی به پاسخ» می‌باشد. موارد ۲ و ۳ را جهت پرستش استفاده کنید.
- موضوع ششم را مرور کنید: بدن ما مقدس است.

موضوع ششم: فدای ما قدوس است

نکته مهم: حال وقت آن رسیده است که ضمائم آخر کتاب را مطالعه فرمائید. نکاتی که در آنها مطرح شده‌اند، شما را در ارزیابی و بهبود بحث در گروه کمک خواهند کرد.

اهداف:

- کنکاش در آن جنبه‌های از قدوسیت خدا که برخی مواقع ترس‌آور است.
- درک بیشتر اشتیاقی که خدا به جهت مقدس بودن ما دارد.
- کمک به ما در اینکه صمیمیت با خدا را دست کم و سرسری نگیریم، و تشویق ما به اینکه خود را به کار تبدیل کننده‌اش در زندگی مان تسلیم نماییم.
- بررسی طرقی که خدا بدانها از شرایط و اوضاع استفاده می‌کند تا ما را به صورت مسیح درآورد.
- برداشتن گامهایی به جهت تغییر که در نتیجه درک بیشتر قدوسیت خدا آنها را برای زندگی خود ضروری می‌دانیم.

توضیحات مقدماتی

موضوع فعلی، موضوع مهمی است، زیرا قدوسیت خدا بخشی از هر صفت اوست. زمانی که معنی و مفهوم قدوسیت را می‌فهمیم، آن موقع به کاملیت صفات خدا پی می‌بریم. اگر قدوسیت خدا برای ما مبهم باشد، دیدی هم که از خدا داریم، مخدوش خواهد بود. درک قدوسیت خدا کلیدی است برای درک اینکه او کیست و به ما معیاری به جهت رفتار عرضه می‌دارد که با اشتیاق به این فرمان خدا که در ۱ پطرس ۱: ۱۶ آمده است، عمل کنیم: «مقدس باشید، زیرا که من قدوسم.» قدوسیت خدا آن صفت از خداست که توسط بسیاری به غلط درک شده است و روانه‌ای است که در زندگی فرد مسیحی اغلب زیاد به آن تأکید نمی‌گردد.

در طول مطالعه این موضوع دو مطلب ضروری باید بررسی گردند:

۱- قدوسیت خدا

خدا قدوس است، مبری از هر بدی، و قادر به انجام کاری غلط نیست. مقاله «جری بریجز» نشان می‌دهد که قدوسیت خدا دو جنبه از کاراکتر او را منعکس می‌کند. اول، خدا از گناه و از بدی نفرت دارد. ما باید از خدا بترسیم و هیبت قدوسیت او باید ما را فرو بگیرد. دوم، قدوسیت خدا منبع تسلی و یقین است، زیرا اعمال او نسبت به ما، تنها می‌توانند کامل و عادل باشند.

۲- دعوت ما به مقدس بودن

در کتاب مقدس کاملاً مشهود است که خدا از ما مقدس بودنمان را می‌طلبد. در مقام افراد مسیحی ما را لازم است که نسبت به گناه در وجود خود نفرت ایجاد کنیم و چنان شیوه زندگی منضبطی را پیش گیریم که ما را در رشد روحانی‌مان کمک کند. معیار قدوسیت و یا بلوغ برای ما، افرادی نیستند که دور و بر ما را فرا گرفته‌اند. معیار، قدوسیت خود خداست. به محض اینکه احتیاج خود را نسبت به داشتن چنین قدوسیتی درک کنیم، سؤال بعدی این خواهد بود که چگونه به آن دست یابیم؟ کلید به جهت قدوسیت ما در این نکته نهفته است که با تمامی قوت در آنچه که ما را به صورت مسیح در می‌آورد، بکوشیم (فیلیپیان ۴: ۸). مقاله «استیفن بلای» در این زمینه چند نکته عرضه می‌دارد: ذهن خود را تازه کنید. بر نفس خود کنترل داشته باشید. مطابق برنامه خدا زندگی کنید. در جمع دیگر مومنین باشید. منس «همینم که هستم» را ابداً نپذیرید. گرچه تا زمان مرگ با گناه کماکان در کشمکش خواهیم بود، ولی باید بدانیم که بخاطر ایمان خود به مسیح از کنترل گناه آزاد شده‌ایم. مقدس شدن روندی نیست که شخص، خود بتواند به خود کمک کند و در آن راه میانبر هم وجود ندارد. خدا در روند تقدیس بخشی ما نقش اول را دارد، ولی ما نیز هر کدام نقشی به گردن داریم. دعا کنید که این سخن از مقاله «بریجز» در قلوب هر یک از افراد گروه دائم طنین افکند: «قدوسیت کلمه‌ای نیست که صرفاً روی آن تعمق کنیم. سطحی از زندگی است که باید بدان نائل گردیم.»

در شروع کار

نمونه به جهت مطالعه

- این سؤال را مطرح فرمائید: «خدا از ما چه می‌خواهد؟»

- دو نمونه عرضه شده را بخوانید و سعی کنید سوالات اصلی مطرح شده را مشخص دارید.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتابمقدس

- از گروه پرسید که در رابطه با قدوسیت خدا از متون عهد عتیق چه مطالبی آموختند.
- در مورد مطالبی که از مطالعه متون عهد جدید دستگیرشان شد نیز پرسید.

بحث موضوع

سوال ۱ طریق خوبی به جهت شروع بحث می‌باشد. با توجه به متون عرضه شده از کتابمقدس و دو مقاله نسبت به قدوسیت خدا دیدهایی تازه را بررسی کنید.

سوال ۲ تعریفی به جهت قدوسیت خدا می‌طلبد. ببینید «بریز» آن را چگونه تعریف می‌کند و سعی کنید به تعریفی دست یابید که برای همه افراد گروه ارضا کننده است.

سوال ۳- آیا قدوسیت خدا در کلیساهای امروز تعلیمی فراموش شده است؟ ارزش دارد که دلایل احتمالی را در زمینه فرهنگی بجویید.

سوال ۴- بسیاری از مواقع قدوسیت به عنوان چیزی مطرح می‌شود که هیچکس واقعا در طلب آن نیست، ولی همه باید به دنبال آن باشند. واقعیت این است که ما در زمانهایی که بیشتر مقدس هستیم، بیشتر هم شاد و خوشحال خواهیم بود. به بحث روی این مطلب قدری وقت دهید.

سوال ۷ طرقی را جویاست که بدانها ما از قدوسیت خدا بدور می‌افتیم. ببینید «بریز» در تلاشی که به جهت توجیه اعمال خود به خدا انجام می‌دهیم، چه می‌گوید، اعمالی که وجدان ما را آزرده می‌کنند. به این مطلب هم توجه داشته باشید که باز بودن در به جهت اعتراف و طلب بخشش چگونه ما را خام می‌کند که در مقابل وسوسه تسلیم شویم.

سوال ۹ شاید هم در بحث قبلی‌تان روی مقاله «بلائی» جواب خود را یافته باشد. و گرنه ببینید که چه رهیافتی مطلب قدوسیت را تا به حد یک قانون پایین می‌آورد.

جمع بندی

شکل بخشی به پاسخ

- از افراد گروه بخواهید که اگر سرودی برای مورد ۳ نوشته‌اند، بخوانند.
- در رابطه با مطالبی که در مورد ۳ آمده است، سوال کنید؛ از جاهایی از زندگی‌شان که مطالعه قدوسیت خدا در آنها تغییر می‌طلبد.
- وقت دهید و خدا را به شکلی کاملاً محترمانه پرستش کنید.
- موضوع شماره ۷ را مرور نمایید: *خدای ما محبت است.*

موضوع هفتم: فدای ما محبت است

اهداف:

- رویارویی با محبت خدا به ویژه با محبتی که در مسیح خود را متجلی می‌سازد.
- دستیابی به درکی عمیق از محبت «غیر قابل درک» خدا
- بررسی رابطه بین محبت و عدالت خدا
- عکس‌العمل در مقابل محبت خدا در پرستش و پیروی از او

توضیحات مقدماتی

در فرهنگ امروز ما، کلمه محبت قدرت خود را بخاطر استفاده‌های غلط و بی‌مورد از دست داده است. ما ورزش را دوست داریم، غذا را دوست داریم، لباس را دوست داریم. آیا این دوست داشتن همان چیزی است که این عبارت «خدا محبت است» کتابمقدس از آن در نظر دارد؟ معنی محبت چنان مخدوش شده که آن را صرفاً تبدیل به تجربه‌ای فیزیکی کرده است، تجربه‌ای که برای بشر باعث خرسندی است. حالا دیگر محبت را می‌توان به عنوان لذت خودخواهانه نیز تعریف کرد؛ از خود گذشتگی دیگر در آن نیست، فیض و بخشش و پاکی را دیگر در آن نمی‌توان یافت. هدف موضوع هفتم این است که ما را در درک و تجربه محبت خدا کمک کند و بخاطر آن نیز کمک به دیگران را پیشه کنیم.

در این موضوع دو عنصر کلیدی وجود دارند:

- ۱- خدا منشأ و نمونه کامل محبت است. مشخصات محبتی که کتابمقدس از آن سخن می‌گوید، با تفکری که امروز از آن می‌رود، بسیار متفاوت است. محبت خدا:
 - مشروط نیست؛ بر اساس اعمال و یا چگونگی عکس‌العملی که در قبال او داریم، نیست.
 - عادل است؛ محبت خدا برای بدست آوردن دل دیگران نیست، بلکه برای انجام چیزهایی است که صحیح و بهترین هستند.

- دهنده است؛ محبت خدا خودخواه و خود - محور نیست. محبت، نفع و خیریت دیگران را همیشه در نظر دارد.

آیا کسی تا بحال به شما گفته است: «تو را اینقدر دوست دارم»، و متعاقب آن دستهای خود را تا آنجا که می‌تواند، باز کرده باشد؟ خدا شما را آنقدر دوست دارد ... و بیشتر.

۲- ما انسانها چگونه می‌توانیم محبتی را که کتابمقدس از آن سخن می‌راند، تجربه کنیم و از خود متجلی گردانیم؟ تمایل طبیعی ما این است که خود - محور باشیم. بیشتر از آنکه به دادن فکر کنیم، به گرفتن فکر می‌کنیم. محبت خدا همیشه جاری شونده است. با این وجود، زمانی که محبت خدا را تجربه کنیم و نامشروط و از خود گذشتگی آن را مشاهده نماییم، این امر می‌تواند طریقی را که بدان محبت می‌کنیم، عوض کند. نیت خدا این بود که محبت او در جامعه و در تمامی روابط، تجربه و نمایان گردد. بزرگترین طریقی که بدان می‌توان محبت خدا را تجربه کرد، این است که کسی شما را نامشروط، عادلانه و بی‌هیچ منیتی دوست بدارد. «از محبت ما خواهند دانست که ما مسیحی هستیم.» دیگران این نوع محبت را مشاهده و تجربه خواهند کرد و مافوق طبیعه بودن آن را درک خواهند نمود.

در شروع کار

جای خالی را پر کنید. می‌گویید: «اگر خدا اینقدر محبت است، پس چرا ----- اتفاق می‌افتد؟ از اعضای گروه بخواهید که جای خالی را پر کنند. لیستی از این گونه سوالات را فراهم سازید، زیرا در انجام زمان بحث و مربوط کردن عناصر مختلف این موضوع به یکدیگر، کمک زیادی خواهد بود.

نمونه به جهت مطالعه

هر دو نمونه عرضه شده را بخوانید و به سوالات هر کدام جواب دهید.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتابمقدس

از گروه **بخواهید** که آنچه را که در رابطه با محبت خدا از متون کتابمقدس یاد گرفته‌اند، با دیگران در میان گذارند.

بحث موضوع

سوال کنید: محبتی را که کتابمقدس از آن منظور دارد، چگونه تعریف می‌کنید؟ فرهنگتان آن را چگونه تعریف می‌کند؟ تفاوت‌های اصلی بین این دو تعریف چیست؟ اعضای گروه می‌توانند پنج نکته اصلی مقاله «بویس» را که در این باره صحبت می‌کند، تجزیه و تحلیل کنند. این پنج نکته عبارتند از:

- ۱- محبت خدا عظیم است.
- ۲- محبت خدا نامحدود است.
- ۳- محبت خدا، محبت دهنده است.
- ۴- محبت خدا، محبتی حاکم است.
- ۵- محبت خدا ابدی است.

سوال ۱ به شما اجازه می‌دهد که بر اساس آنچه که از آیات کتابمقدس آموختید، بنا کنید.

سوال ۲ را می‌توان به جهت شکافتن عمق مطلب برای هر یک از اعضای گروه بکار گرفت. چرا محبت خدا را ارج نمی‌گذاریم و آن را تجربه نمی‌کنیم؟ دلایل این امر را به بحث بگذارید و ببینید که موانع را چگونه می‌توان از میان برداشت.

سوال ۳ را می‌توان در ادامه سوال ۲ مطرح داشت و مطلب را ادامه داد. مهم است بدانیم که محبت خدا به هیچوجه بر اساس آنچه که می‌توانیم و یا نمی‌توانیم انجام دهیم، نیست. محبت خدا تماماً بر اساس شخص خود خدا و فیض اوست.

سوال ۶ طریقی را جویاست که بدان محبت خدا و عدالت او در صلیب مسیح خود را نمایان می‌سازد. در این مورد به مقاله «بویس» نیز می‌توانید اشاره کنید.

برای تشریح بیشتر مطلب می‌توان این سؤال را نیز مطرح کرد: «رابطه بین محبت خدا و عدالت او به چه شکلی است؟» ببینید نظر گروه در رابطه با جواب اریکسون به این سؤال چیست؟

سوال دیگر می‌تواند در رابطه با نقش بخشش در دوست داشتن کسی باشد. اگر آنها را نمی‌توانید ببخشید، آیا واقعا آنها را دوست دارید؟ چرا بله، و یا چرا نه؟

سؤال ۱۰ بحث را از تئوری به عمل منتقل می‌سازد. از اعضای گروه بخواهید که جواب‌های خود را در قسمت «شکل بخشی به پاسخ»، با دیگران در میان بگذارند.

جمع بندی

گامهایی به جهت اطاعت

به گروه فرصت دهید که موارد شماره ۱ و ۲ بخش «گامهایی به جهت اطاعت» را جواب دهند. سپس در رابطه با تعهدی که با خدا و با یکدیگر بسته‌اند، دعا کنید.

موضوع ۸ را مرور کنید.

موضوع هشتم: فدای پدر

اهداف

- کشف آنچه که کتابمقدس در رابطه با خدا در مقام پدر آسمانی ما می گوید.
- تشخیص و تغییر آن تصویر از پدر که به شکلی منفی بر تصویر ما از خدا اثر می گذارد.
- کشف غنای آن رابطه شخصی که اکنون می توانیم با پدر آسمانی خود داشته باشیم.
- تجربه کردن امنیتی که در محبت بی قید و شرط پدر آسمانی خود داریم.

توضیحات مقدماتی

هر چه می گذارد، مقام پدری بیش از پیش تنزل می کند. بسیاری از پدران در مسئولیت پدری خود قصور می ورزند و همین امر از نظر احساسی، زخمها و دردهای زیادی را موجب گشته است. آنها که از برکت داشتن پدری قوی برخوردارند، از لحاظ فیزیکی، احساسی و روحانی از مزایای زیادی بهره می برند. پدر بودن یعنی چه؟ در روی زمین هیچکس نتوانسته است برای کسی پدری کامل باشد. با این وجود، پدری آسمانی داریم که از هر لحاظ کامل است. بسیاری از آنها که تصویر پدر زمینی خود را در مورد خدا تعمیم می دهند، اغلب با تصویری بسیار مخدوش از خدا روبرو می گردند. منظور از اینکه خدا پدر ما است، چیست؟ در حین جواب به این سؤال می توان بسیاری از آنچه که از بین رفته است، باز از سر نو احیا کرد. در مقام فرزندان خدا، ما پدری آسمانی داریم که به شکلی کامل، مدل پدر بودن را در مقابل چشمان ما می گذارد.

در شروع کار

کوچک ولی مقوی

این نقل قولها (که برخی درست و برخی زیر سؤال هستند) می توانند شروع خوبی برای این موضوع باشند.

انتخاب آنچه که در بخش «کوچک ولی مقوی» آمده است، امکان دارد مسائل حساس و عمیق را به سطح آورد. در حین رهبری این درس، این دستورالعمل را به یاد داشته باشید: به مردم

وقت دهید که تجارب شخصی خود را با دیگران در میان گذارند. ولی مواظب باشید که این مطلب تبدیل به جلسه مشاوره نگردد. از آنچه که افراد در گروه، با دیگران در میان می‌گذارند، آن نکات کلیدی را که به بسط بیشتر موضوع کمک می‌کند، بیرون کشید. اگر کسی ناراحت می‌شود، با حکمت و بصیرت وضعیت را از آن حالت ناراحت کننده درآورید. در اینگونه مواقع وقت دادن به دعا و قدری تسلی کمک شایانی است. هیچکس نباید در صحبت از رابطه‌ای که با پدر خود دارد، زیر ابرام و اجبار قرار گیرد. سعی کنید همه را به بحث از تصویری که کتابمقدس از پدر می‌دهد، بکشانید. همانطور که تمرکز صحبت را روی خدا به عنوان پدر آسمانی ما قرار می‌دهید، آنها که می‌شنوند، اطلاعات عرضه شده را به زندگی خود مربوط خواهند نمود.

طریق دیگر شروع بحث می‌تواند سؤال ۱ بخش «بحث موضوع» باشد. این سؤال می‌تواند به بحثی همانند صحبت روی بخش «کوچک ولی مقوی» منتهی گردد.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتابمقدس

سؤال کنید: «از متونی که در متن این درس آمده است، در مورد خدا به عنوان پدر آسمانی ما چه چیزهایی را یاد گرفتید؟» در جواب به این سؤال، شما به دنبال مشخص کردن جنبه‌های کلیدی از پدر بودن خدا را دارید. پس، از تجزیه و تحلیل عمیق این آیات اجتناب کنید.

پدر بودن خدا را تعریف کنید: برای افراد مهم است که آنچه را که کتابمقدس از پدر بودن خدا تصویر می‌نماید، ببینند. متون کتابمقدس و مقالات این موضوع چند جنبه از آن را تشریح می‌کنند. همراه با گروه، لیستی از صفات پدران خدا درست کنید. تشویق کنید که افراد در گروه آن دسته از صفات پدر بودن خدا را بشناسند. بیاد داشته باشید که مردم از پدر بودن مفاهیم و معانی زیادی در فکر خود دارند. به آنها کمک کنید که بخشهای درست و غلط آن تصاویر را مشخص کنند. هدف از این بحث رسیدن به تصویری است که پدر بودن خدا را به شکلی واضح نشان دهد.

بحث موضوع

سوال ۳ را می‌توان به عنوان ابزاری به کار برد که تمامی صفاتی را که گروه در رابطه با پدر بودن خدا لیست کرده است، با هم ترکیب کنیم. با گروه روی این مطلب اندکی کار کنید و ببینید که پدر بودن خدا را چگونه می‌توانستید به یک کودک بیان کنید.

سوال ۴ بر صفاتی که از خدا در مقاله آمده است، تمرکز دارد. تأمل کرده به هر یک از افراد گروه وقت دهید که آن صفتی را که بیش از همه بر آنها تأثیر گذارده است، بیان دارند و علت آن را نیز توضیح دهند.

در این مرحله از بحث، مورد شماره ۲ «شکل بخشی به پاسخ» نیز می‌تواند بکار رود. از گروه بخواهید که به این سوال جواب دهد.

سوال ۵ برای پدرها و مادرها شدیداً عملی است، ولی در عین حال می‌تواند تهدید کننده هم باشد. به گروه وقت دهید تا طرقی را که در رابطه خود با فرزندان به کار می‌گیرند و بر درک آنها از پدر بودن خدا تأثیری مثبت گذاشته است، بیان دارند. ولی آنها را تشویق کنید که خود را به شکلی درست و صادقانه ارزیابی کنند و به دنبال طرقی باشند که می‌توانند آنها را در این مورد بهبود بخشند.

سوال ۶ شاید هم جواب خود را در حین بحث روی متون کتابمقدس یافته باشد. اگر چنین نیست، به دنبال طرقی باشید که بدانها پدر آسمانی ما، ما را دیسپلین می‌بخشد.

جمع بندی**گامهایی به جهت اطاعت**

از آنجا که ممکن است اعضای در گروه پیش از بحث این موضوع، تصویری غلط از پدر بودن خدا را داشته باشند، به آنها فرصت دهید که موارد ۱ و ۲ «گامهایی به جهت اطاعت» را جواب دهند. سپس برخی از آنها را قبل از دعای برای همدیگر مطرح کنید.

موضوع ۹ را مرور نمایید: *خدای پسر*

موضوع نهم: فدای پسر

اهداف

- از تصویری که کتابمقدس از عیسی عرضه می‌دارد، آگاه گردیم.
- اولوهیت مسیح را به شکل کامل درک کنیم.
- انسانیت مسیح را به شکل کامل درک کنیم.
- رابطه خود را با خدا از طریق داشتن رابطه‌ای نزدیک با فرزند او عمیقتر نماییم.
- در محبت خود به عیسی به عنوان منجی و دوست رشد کنیم.

توضیحات مقدماتی

ما هیچ مشکلی با عیسای خود نداریم، عیسایی که در قصه‌های بچه‌ها و یا در فیلمهایی که برای آنها ساخته می‌شوند، می‌بینیم. موضوع نهم تلاش بر این دارد که عیسی را، نه آنطور که ما گمان می‌کنیم، بلکه آنطور که واقعا هست، به ما بشناساند. این موضوع نگرشی تازه بر خدا دارد.

این روزها در میان مسیحیان این شعار بسیار محبوبیت دارد: «اگر عیسی بود، چه می‌کرد؟» در طول مطالعه این موضوع، جواب شما به این سوال مطمئناً چنین خواهد بود: «نه آنطور که ما فکر می‌کنیم.» همانطور که شناخت ما از عیسی بیشتر می‌شود، به ماهیت و هویت عجیب و حیرت‌انگیز او بیشتر پی می‌بریم. آنچه که عیسی انجام می‌داد، بر اساس هویت واقعی او بود. متأسفانه نگرشی که به عیسی داریم، در اثر تأثیرات فرهنگی، تجربیات و آنچه که تعلیم یافته‌ایم، تارگشته است. این موضوع ما را کمک می‌کند که نگاهمان دوباره به عیسای کتابمقدس متمرکز گردد و ما را تشویق می‌کند که همانند او گردیم.

مهم است که مردم ویژگی انسان شدن خدا را درک کنند، زیرا این مطلب به آنها در مورد الوهیت و بشریت مسیح نگرشی حقیقی خواهد داد. از آنجا که همیشه یکی از این دو، بیش از دیگری مورد تأکید قرار می‌گیرد، مردم نسبت به مسیح در خود نگرشی مخدوش پرورش می‌دهند. سعی

کنید در همان سؤال آغازین، هرگونه پیشفرض مخدوش را از گروه بیرون کشید و در مقابل دیدگان قرار دهید. مجرای تفکر آنها را زیر ذره‌بین بگذارید و به آنها کمک کنید که ضعف منطق خود را به وضوح ببینند. چرا خدا برآن شد که انسان گردد؟ این مطلبی است که باید همه اعضای گروه آن را به خوبی درک کنند و سعی شما بر این خواهد بود که آنها را در این امر آنها کمک کنید. هدف بر این است که هر کس تفکری را که نسبت به مسیح دارد، از سر نو به امتحان کشد. آنها را تشویق کنید که برای باورهای خود از کتابمقدس دلیل آورند. بگذارید ببینند که عیسی مسیح چقدر متفاوت، عجیب و پویا است!

در شروع کار

هضم موضوع

از گروه پرسید: «چرا ما را لازم است که در مورد مسیح تفکری صحیح داشته باشیم؟» شاید بخواهید فردی از گروه «انزوای یک زندگی» را با صدای بلند برای دیگران بخواند و از طریق بحث روی برخی از موارد «کوچک ولی مقوی» به این سؤال پاسخ گوید.

نمونه به جهت مطالعه

نمونه عرضه شده را بخوانید و به سوالاتی که در انتها آمده است، جواب دهید.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

شکل بخشی به پاسخ

سؤال ۱ مقدمه خوبی به جهت شروع بحث است. بگذارید اعضای گروه به این سؤال جواب دهند.

بحث موضوع

سؤال ۱ می‌پرسد: «در یوحنا ۷ چه چیزی در عیسی و رهیافت او وجود داشت که باعث ایجاد واکنش شد؟ از گروه بخواهید که به بقیه موارد این سؤال نیز جواب دهند.

سوال ۲ می پرسد: «اگر عیسی به کلیسای ما می آمد و تعلیم می داد، آیا او را می پذیرفتیم؟» از گروه بپرسید، چرا؟ سپس به سوال بعدی بروید: «به نظر شما پیام او چه می توانست باشد و چگونه در مقابل این پیام واکنش نشان می دادیم؟»

سوال ۴ اهمیت اولوهیت مسیح بررسی می کند. شاید بخواهید که به «اعتقاد نامه نیسن» و توضیحات مربوط به آن نگاهی بیندازید. در این مورد، به نکات زیر توجه کنید:

عیسی چگونه می توانست در یک زمان هم خدا باشد و هم انسان؟ این موضوع به «وحدت دو ماهیت» معروف است. وحدت دو ماهیت، با وحدت دو ماهیت الهی و بشری در شخص عیسی مسیح سر و کار دارد. در زمان تجسم، طبیعت انسانی و طبیعت الهی به شکلی جدا نشدنی، در مسیح با هم وحدت یافتند. با این وجود هر دو ماهیت از یکدیگر مشخص، کامل و تغییر نیافته باقی می ماند. بدین ترتیب عیسی هم خدای کامل، و هم انسان کامل است. او نیمه انسان و نیمه خدا نیست. گرچه این حقیقت از نظر درک انسانی بسیار سنگین و ثقیل به نظر می رسد، ولی کتابمقدس جا برای هیچ نتیجه دیگر باقی نمی گذارد. آن قسمت از متون کتابمقدس که بر این مطلب صحنه می گذارند، عبارتند از: فیلیپیان ۲: ۶ - ۱۱، یوحنا ۱: ۱ - ۱۴، رومیان ۱: ۲ - ۵، تیموتائوس ۳: ۱۶، عبرانیان ۲: ۱۴، یوحنا ۱: ۱ - ۳. دلایل دیگر این مطلب را در اناجیل نیز می بینیم، آنجا که صفات الهی و بشری هر دو در مسیح متجلی می گردند.

سوال ۵ سوالی است که مطالب را به خوبی خلاصه می کند. در این زمینه می توانید به متون عرضه شده از کتابمقدس و یا مقاله «یانسی» اشاره کنید.

سوال ۷ قلب موضوع را می شکافد. قدری وقت دهید و رابطه بین شناخت عیسی و توان به جهت ایجاد رابطه نزدیک با خدا را دریابید.

جمع بندی

گامهایی به جهت اطاعت

موضوع نهم ممکن است برخی از افراد گروه را به کنکاش و تفکر وا دارد. چند دقیقه به آنها وقت دهید که به موارد ۱ و ۲ «گامهایی به جهت اطاعت» جواب دهند. اگر هنوز وقت دارید، از آنها بخواهید که نقطه نظرهای خود را با دیگران در میان گذارند.

شکل بخشی به پاسخ

شاید بخواهید به موارد ۳ و ۴ «شکل بخشی به پاسخ» نظر اندازید و با پرستش جلسه را تمام کنید.

موضوع ۱۰ را مرور کنید: *خدای روح القدس*

موضوع دهم: فدای روح القدس

اهداف

- بررسی آنچه که کتاب مقدس در مورد شخصیت و کار روح القدس می گوید.
- کشف بیشتر این مطلب که روح القدس چگونه ما را به رابطه ای صمیمی و نزدیک با خدا قادر می سازد.
- ارزیابی رابطه شخصی خود با روح القدس

توضیحات مقدماتی

شخصیت روح القدس و کار او دو جنبه از مسیحیت هستند که بیشتر از همه جوانب، به غلط تفهیم شده است. روح القدس در رابطه ما با خدا نقشی حیاتی بازی می کند. حتی می توان گفت که روح القدس امروزه خدا در روی زمین است. این موضوع این هدف را دنبال می کند که مردم را در درک شخصیت روح القدس و عملکرد و نقشهایی که دارد، کمک کند. روح القدس نیز به همان اندازه عیسی و خدای پدر اولوهیت دارد و خدا است. این سخن به این معنی است که در حین رشد در شناختی که از روح القدس داریم، قادر می شویم که خدا را به شکلی واضحتر ببینیم. و نیز می توانیم با خدا در رابطه ای بسیار غنی و نزدیک باشیم تا به حدی که قدرت و نفوذ روح القدس را در زندگی خود کسب کنیم؛ ماهایی که به مسیح توکل کرده ایم.

در این رابطه دو نکته اصلی وجود دارند که لازم است مردم آنها را درک کنند. اولین نکته این است که روح القدس خدا است. مقاله «تونی ایوانز» در مورد این نکته صحبت می کند. روح القدس نیرویی غیر شخصی (همانند جنگ ستارگان) نیست. او شخص سوم خدای تثلیث است. روح القدس نیرویی نیست که بتوانیم آن را به هر شکل که می خواهیم، جهت بدهیم. او خدا در ما است. خدا همیشه با ما است و کتاب مقدس می گوید که او هرگز ما را رها نمی کند. اگر حقیقتاً باور داشته باشیم که خدا از طریق روح القدس در ما و در اطراف ما کار می کند، زندگی ما متبدل خواهد شد.

و نیز لازم است بین آن دسته از نقشهایی که روح القدس بازی می‌کند، و آن دسته از نقشهایی که ربطی به او ندارند، مغایرت بگذاریم. این امر ما را در تشخیص هدایت روح القدس کمک می‌کند و با بصیرت می‌توانیم مشخص داریم که آیا از جانب روح القدس هدایت می‌شویم، یا اینکه چیزی دیگر در ما تأثیر گذارده است. متون عرضه شده در این موضوع و مقاله «تونی ایوانز» در تشریح نقشهایی که روح القدس به گردن دارد، کمک شایانی است. اگر افراد در گروه، نقشهای دیگری نیز پیشنهاد کنند، آنها را نیز می‌توان پذیرفت، به شرطی که کتابمقدس آنها را تأیید و حمایت کند.

در شروع کار

از مردم در رابطه با روح القدس چه شنیده‌اید؟ مردم او را چگونه توصیف می‌کنند؟ مردم چه عملکرد و نقشهایی را به روح القدس اسناد می‌دهند؟ از این سوالات استفاده کنید و پیشفرضها و مفاهیم غلطی را که افراد در گروه نسبت به روح القدس در ذهن خود دارند، بیرون کشید. جوابهای مختلف را به ترتیب بنویسید. این مطلب شما را به آنجا خواهد رسانید که آنچه را که کتابمقدس در مورد روح القدس می‌گوید، به بحث بکشید.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتابمقدس

امروزه در رابطه با روح القدس چنان نظریات مختلف وجود دارند، که ایجاب می‌کند به این قسمت بیشتر وقت دهید و هرگونه سوآلی را که از مطالعه متون کتابمقدس برمی‌آید، پاسخ گوئید.

بحث موضوع

سوال ۱ شما را به مقاله بسیار مؤثر «تونی ایوانز» می‌کشاند. مورد شماره ۲ «شکل بخشی به پاسخ» طریق دیگری برای بحث روی مقاله ایوانز می‌تواند باشد.

سوال ۲ و ۳ از گروه می‌طلبد که دید و نظر خود را در رابطه با نقشهایی که روح القدس دارد، بیان کنند. بر اساس آنچه که در این موضوع یاد گرفته‌اید، یکی از این دیدگاهها را گرفته و نکات قوی و ضعیف آن را تجزیه و تحلیل کنید.

سوال ۴ طریق خوبی برای بررسی این سوال است: «این مطلب چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟» شاید اکنون وقت آن رسیده باشد که جواب مورد ۳ از بخش «شکل بخشی به پاسخ» بررسی کنید.

سوالی تکمیل کننده: چگونه می‌فهمید که آیا از جانب روح القدس هدایت می‌شوید یا اینکه چیزی دیگر شما را تحت تأثیر خود قرار داده است؟ (مثل شخص خودتان و یا شیطان) راهنمایی‌های زیر شما را در جواب به این سوال کمک خواهند کرد:

- ۱- آیا میل باطنی شما با آنچه که کتابمقدس از اراده خدا بیان می‌دارد، مطابقت دارد؟
- ۲- آیا در این مورد با مسیحیان بالغ مشورت کرده‌اید؟
- ۳- نتیجه عکس‌العمل شما در مقابل چنین تأثیری چه خواهد بود؟
- ۴- آیا انگیزه‌های شما از روی خودخواهی است؟ توضیح دهید.
- ۵- آیا افکار و اعمال شما با سرسپردگی‌ای که به کلام خدا و دعا دارید، همراه است؟

جمع بندی

گامهایی به جهت اطاعت

به افراد اجازه دهید که بخش «گامهایی به جهت اطاعت» را کامل کنند.

موضوع ۱۱ را مرور کنید.

موضوع یازدهم: دوست داشتن خدا

اهداف

منظور از اینکه خدا را از طریق جلال دادن و اطاعت از او دوست بداریم، چیست؟ چگونگی پرستش و اطاعت از خدا را در زندگی خود بررسی و ارزیابی کنیم. یاد بگیریم که به پرستش همانند شیوه زندگی بنگریم. مردم را در پرورش این عادت کمک کنیم که پرستش را در زندگی خود به صورتی مرتب و دائمی درآورند. به جهت تمجید و ستایش خدا وقت بگذاریم.

توضیحات مقدماتی

هدف این موضوع این است که مردم را در پرورش آن نوع شیوه زندگی کمک کند که در آن پرستش مداوم و مرتب خدا، و اطاعت از او، به عنوان محبت ما نسبت به خدا تلقی می‌گردد. یکی از بزرگترین موانع این امر ندانستن و نداشتن شناخت به پرستش حقیقی است. عملاً منظور ما از اینکه پرستش کنیم، چیست؟ حیات ما در منزل، سر کار، و مغازه خواربار فروشی به چه شکل خواهد بود، اگر پرستش در آن تبدیل به شیوه زندگی گردد؟ پرستش مطلبی است که با قلب ما سر و کار دارد و تمرکز این موضوع هم نشان دادن همین است.

«پرستش چیست» یکی از جنبه‌های کلیدی این موضوع می‌باشد. پرستش، منش‌ها و رفتارهای زیادی را شامل می‌شود. روزهای یکشنبه که به عنوان یک کالبد به جهت تمجید و ستایش خدا جمع می‌شویم، این عمل ما، پرستش است. تعلیم و شنیدن از کلام خدا پرستش است. پرستش، رعایت امور مقدس را شامل می‌شود. پرستش، آن شیوه زندگی است که خود را به اطاعت از خدا و خدمت به او وقف کرده است. در عین حال که تمامی این فعالیتها و بسیاری دیگر عمل پرستش می‌باشند، موضوع اصلی و مرکزی همه آنها در این است که قلبتان کجاست. پرستش حقیقی بیشتر روی منش و طرز برخورد شخص استوار است تا عمل او. دو نفر می‌توانند دقیقاً یک عمل را انجام دهند، حال آنکه

عمل یکی پرستش باشد و دیگری نباشد. کلاس را طوری ترتیب دهید که افراد این مطلب اصلی را فرا بگیرند و با خود به منزل برند.

دوم، مردم را جهت امتحان خود به چالش وادارید، به طوری که اطاعت و پرستش خدا را در زندگی خود ارزیابی نمایند. به آنها کمک کنید که به پرستش به عنوان شیوه زندگی مسیحی بنگرند و گامهایی را که به جهت برقراری چنین امری در زندگی شان لازم است بردارند. بخاطر داشته باشید که در طول سری کشف، سعی ما کمک به افرادی است که خدا را در ذهن خود دوست داشته‌اند و می‌خواهند او را در قلب خود نیز دوست داشته باشند. هدف ما بر این است که آنچه را که یاد گرفته‌اند، به عمل کشند و تجربه کنند و بدین ترتیب زندگی مسیحی پر و ارضا کننده‌ای داشته باشند. این درس شما را کمک می‌کند که به موضوعات قبل نیز برگردید. ببینید آیا این سری، افراد را در امر شبیه مسیح شدن کمک می‌کند، یا نه؟

در شروع کار

نمونه‌ها به جهت مطالعه

سعید - این نمونه از آن جهت آمده است که توجهات را بر دوست داشتن خدا متمرکز کند.

پیشنهادات به جهت زمان بحث

مطالعه کتابمقدس

سوال کنید: «در رابطه با کلام خدا، از متون کتابمقدس چه آموخته‌اید؟»

بحث موضوع

سوال ۱ شاید هم در خلال بحثی که روی متون کتابمقدس انجام دادید، جواب خود را یافته باشد. به جنبه بشری این سوال توجه داشته باشید: «... شاید بخواهید در مورد افرادی فکر کنید که آنها را می‌شناسید و آنطور که به نظر می‌رسد، گویی رابطه‌ای عمیق و مبتنی بر محبت با خدا دارند.» چگونه می‌توانیم اصالت این محبت را مشخص کنیم؟

سوال ۴ به دنبال جواب برای نقل قولی است که از مقاله «توزر» می‌نماید. نقل قول دیگری هم که از این مقاله شایان بررسی است، این است: «اگر حضور خدا را در دفتر کار، کارخانه، و منزل خود نمی‌بینید و احساس نمی‌کنید، در اینصورت خدا در کلیسا هم نیست، زمانی که به آنجا می‌روید.» ببینید که آیا افراد در گروه با این سخن موافق هستند؟ چرا؟

سوال ۶ دو بخش دارد: ۱- خدا را از طریق اطاعت خود چگونه پرستش می‌کنیم. ۲- چگونه می‌توانیم اطاعت از خدا را به عمل کشیم، بی‌آنکه بدام شریعت و مذهب‌گرایی بیافتیم. مورد شماره یک از «شکل بخشی به پاسخ» می‌تواند برای هر دو بخش نمونه خوبی باشد. ببینید در آن لیستی که هست، چگونه می‌توان از خدا اطاعت کرد و در عین حال مذهب‌گرا نبود.

سوال تکمیل کننده:

در مورد این مطلب چه فکر می‌کنید: پرستش چیزی است که ما با هم انجام می‌دهیم، نه چیزی که جدا از هم ولی در یک اتاق!

جای موسیقی در پرستش کجاست؟

سوال ۷ نقش «شام خداوند» را در پرستش دستجمعی ما به امتحان می‌کشد. از افراد بخواهید که نظر خود را در رابطه با مقاله «جف جونز» ابراز کنند. اهمیت شام خداوند را به دیگران چگونه منتقل می‌کنیم؟

توجه: به پرستش می‌توان به سه طریق نگاه کرد: مطیع بودن، خدمت، و یادآوری

مطیع بودن: پرستش، منش خضوع و خشوع در مقابل خدا را دارد، منشی که در آن ما با احترام و حرمتی زایدالوصف به او نزدیک می‌شویم، چرا که تنها او شایسته پرستش

است. اطاعت اصیل، از شناخت قدوسیت و حرمت خدا ناشی می‌شود و با اطاعتی که از او در زندگی خود داریم، همراه می‌گردد.

خدمت: پرستش، خدمت خدا را شامل می‌شود. (رومیان ۱۲: ۱ و ۲، فیلیپیان ۲: ۱۷ و ۱۸، کولسیان ۳: ۲۳). خدمت، زمانی پرستش می‌گردد که به شکلی اصیل به جهت جلال خدا انجام می‌گیرد. کار ما می‌تواند پرستش باشد، پختن شام می‌تواند پرستش باشد، اگر این خدمت در محبت و به جهت جلال خدا صورت می‌گیرد.

یادآوری: پرستش، زمان یادآوری کاری است که مسیح برای ما انجام داده است. شام خداوند شاید تنها رسمی است که کار نجات بخش عیسی مسیح را به نحوی بسیار عالی در مقابل چشم همگان قرار می‌دهد.

جمع بندی

وقت به جهت پرستش

بهترین شیوه خاتمه دادن به این موضوع، وقت دادن به پرستش است. خود را به شکلی خلاق برای این قسمت آماده کنید. مورد شماره ۲ از «شکل بخشی به پاسخ» را در این قسمت به کار گیرید.

موضوع ۱۲ را مرور کنید: دوست داشتن مردم

موضوع دوازدهم: دوست داشتن مردم

اهداف

- کشف رابطه بین صمیمیت با خدا و خدمت اصیل به دیگران
- ارزیابی تعهد خود به داشتن این صمیمیت با خدا
- ارزیابی تعهد خود به داشتن این خدمت اصیل به مردم
- کشف اینکه چگونه می‌توانیم در بطن این همه کشاکش زندگی و امورات وقتگیر، هنوز هم خدا را جلال دهیم.
- مرور این دوره و طرح متدی که بدان افراد در گروه بتوانند آموخته‌های خود را به عمل کشند.

توضیحات مقدماتی

این موضوع دومین کتاب سری کشف را که صمیمیت و نزدیکی با خدا باشد، با این سؤال به پایان می‌رساند: رابطه صمیمی و نزدیک با خدا در عمل به چه می‌ماند؟ داشتن رابطه با پدر آسمانی چه تفاوتی در اینجا، در زمینی که در آن زندگی می‌کنیم، ایجاد می‌نماید؟ این موضوع هدف بر آن دارد که مردم را در درک این مطلب مهم کمک کند: محبت ما نسبت به خدا خود را در طریقی که دیگران را محبت می‌کنیم، نشان می‌دهد. بسیاری از مواقع زندگی فرد مسیحی، به ویژه در فرهنگ غرب، فقط به «من و خدا» محدود می‌گردد. ولی مسیحیت مقدماً فردگرا نیست. مسیحیت ایمانی است که در روابط، آن را زندگی می‌کنیم. نکته در اینجا است که شما نمی‌توانید دوست داشتن خدا را از دوست داشتن مردم جدا کنید. این دو با هم هستند.

دوجنبه‌ای که باید آنها را به امتحان کشید، عبارتند از:

۱- اگر خدا را دوست دارید، مردم را نیز دوست خواهید داشت. رابطه ما با خدا رابطه‌ای نیست که در انزوا باشد. مردم باید بدانند که زندگی مسیحی تنها در مورد آنان نیست. خدا نیت بدان دارد که زندگی ما، روی زندگی دیگران اثر گذارد.

۲- ما را لازم است که بین دوست داشتن خدا و دوست داشتن دیگران تعادل ایجاد کنیم. تعادل به منزله بکارگیری آنچه که آسان و راحت است، نمی‌باشد. مردم نیاز به این دارند که ترکیب سالمی

از زندگی خصوصی با خدا و خدمت مردم داشته باشند. برخی چنان بیکار نشسته‌اند که در خود احساس زنگزدگی می‌کنند؛ برخی هم چنان غرق در خدمت‌اند، که دیگر رمقی بر آنها نیست. برای هر دو اینها راه حل وجود دارد. وقت دهید و ببینید که افراد در گروه چگونه می‌توانند بین دوست داشتن خدا و دوست داشتن مردم تعادل بیشتر داشته باشند.

در شروع کار

نمونه‌ها به جهت مطالعه

دو نمونه عرضه شده را بخوانید. به مریم و ساسان چه نصیحتی دارید؟

پیشنهادات به جهت زمان بحث

بحث موضوع

توجه: سعی کنید که حداقل پنجاه درصد وقت خود را به بررسی سوال ۸ اختصاص دهید.

سوال ۱ چنین می‌گوید: «خدمت ما به خدا با رابطه‌ای که با او داریم، چگونه مربوط می‌شوند؟» شاید بخواهید برای جواب به این سوال مهم به موضوع ۱۱ و مقاله «جف جونز» مراجعه کنید.

سوال ۳ باید در میان افراد گروه بحثی داغ ایجاد کند. به نظر شما کلیسا فعلی ما نیاز به شنیدن کدامیک دارد؟

سوال ۷ - «برخی از طرق بخصوصی که بدان می‌توان محبت به دیگران را در عرض این هفته متجلی کرد، کدامند؟» برای نشان دادن محبت اصیل به دنبال طرقی عملی باشید.

جمع بندی

بحث موضوع

سوال ۸ از شرکت کنندگان طلب می‌کند که آن قسمت «شکل بخشی به پاسخ» را که بیش از بقیه بر آنها اثر گذاشته است، با دیگران در میان گذارند و علت آن را هم توضیح دهند. به افراد در این قسمت به اندازه کافی وقت دهید.

زمانی برای شکرگزاری

بر اساس آنچه که در رابطه با سوال ۸ ابراز شد، گروه را به جهت بیان تشکر خود به خدا تشویق کنید؛ به جهت آنچه که یاد گرفته‌اند و از نظر رشد روحانی تجربه کرده‌اند.

از آنجا که این آخرین جلسه گروه شماست، به جهت قدردانی از یکدیگر وقت دهید. آنچه را که افراد، جهت تقویت یکدیگر به گردن گرفته‌اند، با آنها در میان گذارید. محتوای موضوع ۳ را که کشف نقش شما در خانواده خدا می‌باشد، به آنها معلوم دارید. از آنها بنخاطر همکاری خود تعریف کرده و جلسه را با دعا به پایان برسانید.

ضمیمه ۱: نکاتی عملی جهت تبادل نظر و بحث مفید

- ۱- جایی که گروه جمع می‌شود، به اندازه کافی نور داشته باشد؛ حرارت آن هم باید متعادل باشد.
- ۲- آنچه که از نظر بدنی و مرئی باعث حواس پرتی می‌گردد، از آنجا بیرون برید.
- ۳- صندلی‌ها را طوری بچینید که افراد یکدیگر را ببینند. همه در یک سطح بنشینند. اگر به صورت حلقوی باشد، به مراتب بهتر است.
- ۴- قبلاً طوری ترتیب دهید که چیزی از قبیل بچه‌ها و تلفن و رادیو و تلویزیون و غیره مزاحمتی ایجاد نکند.
- ۵- تعداد افراد کمتر از ۳ و بیشتر از ۱۲ نفر نباشند. بهترین تعداد افراد جهت بحث و تبادل نظر حدود هشت نفر می‌باشد.
- ۶- سر وقت شروع و سر وقت تمام کنید.
- ۷- وابسته باشید، از خود صداقت نشان دهید. اگر می‌گویید که چیزی را بعداً بحث خواهید کرد، حتماً این کار را بکنید. همین چیزهای کوچک ایجاد اعتماد می‌کند.
- ۸- از سکوت نترسید. به مردم وقت دهید که روی جواب فکر کنند. اگر در قیافه آنها می‌خوانید که سؤال را درک نکرده‌اند، آن را دوباره تکرار کنید (خودتان به سؤال جواب ندهید).
- ۹- در صحبتها از شوخی و خنده استفاده کنید. خنده باعث می‌شود که محیط دوستانه شود و بین افراد رابطه برقرار گردد.

۱۰- قبل شروع بحث و تبادل نظر، با افراد گروه صحبت کرده و به آنها خاطر نشان کنید که چگونه می‌توانند به بحثی مفید کمک کنند:

- اینکه در صورت لزوم آمادگی تغییر عقاید و نظرات خود را داشته باشند.
- برای شنیدن دیدگاه‌های تازه آمادگی داشته باشند.
- و از اینکه صرفاً بحث کنند، امتناع نمایند.

۱۱- اجازه بدهید افراد احساسات خود را بروز دهند. حیات و حقیقت، چیزهایی صرفاً ذهنی نیستند؛ احساسات، بعد مؤثری در تبادل نظر به شمار می‌آیند.

۱۲- در تبادل نظر طوری عمل کنید که محبتتان به افراد خود را ظاهر کند. اگر افراد بدانند که برای شما اهمیت دارند، بیشتر مشتاق خواهند بود که با شما یاد بگیرند.

۱۳- موضوعاتی شخصی را که در حین بحث و تبادل نظر بروز می‌کنند، یادداشت کنید و در زمان صحیح خود آنها را دوباره مطرح سازید.

ضمیمه ۲: نقش شما به عنوان تسوییل کننده

نقش شما چه هست:

- انگیزش دهنده: گروه را به تفکر تشویق کنید.
- تمرکز دهنده: نگذارید تبادل نظر و بحث از حیطه مطلب خارج شود.
- توضیح دهنده: موضوع مورد بحث را برای گروه واضح و روشن کنید.
- تأیید کننده: گروه را برای بیان نظریات خود تشویق و تمجید کنید این کار را اغلب بکنید! به مردم نشان دهید که نظریاتشان مهم است.
- به چالش وادارنده: با سیاست نظریات ابراز شده را به بحث بگذارید. شاید از افراد برای پشتیبانی آنچه که گفته‌اند، محل آیات را بخواهید و یا توضیح بیشتر طلب کنید.
- تعیین کننده مسیر: دیگران را هم در بحث شامل کنید. مردم را به شرکت در مباحثات تشویق کنید، ولی به آنها جهت جواب نکته نرسانید.

نقش شما چه نیست:

- داور: دیدگاههای مختلف را عرضه کنید، ولی بگذارید دیگران آنها را ارزیابی کنند.
- واعظ: بیشتر به نظرات دیگران علاقمند باشید تا نظرات خود.
- محقق: از تجزیه و تحلیل بیش از اندازه هر فکری بپرهیزید. اگر چنین کنید، بحث قدری کسل کننده می‌شود. همیشه به صورت کسی که صحبت می‌کند، نگاه کنید و چه با حرف و چه با حرکات بدنی آنها را تشویق نمایید.
- متخصص: دیگران را بیشتر متخصص بدانید. یادتان باشد که شما هدایت کننده بحث هستید نه مقام مقتدر نهایی (انجام این وظیفه به عهده کتابمقدس است).

ضمیمه ۳: سوالات فوب مطرح کردن

کلید داشتن تبادل نظر و مباحثات خوب، مطرح کردن سوالات خوب است.

سوالات ۱ امتحان کنید:

- ۱- آیا واضح و روشن است؟
- ۲- آیا شخص را به فکر وامی دارد؟
- ۳- آیا فکر را متمرکز بر موضوع می گرداند؟
- ۴- آیا سوال به دنبال کشف حقایق است، یا اینکه می خواهد داوری کند؟

زمان طرح سوال از این پاله‌ها بپرهیزید:

- سوالات با جواب «صحیح». سوالاتی مطرح کنید که برای آنها چندین جواب ممکنه وجود دارند. (نه سوالاتی چون «ده فرمان در کجای کتاب مقدس نوشته شده است؟»)
- سوالاتی که جوابشان «بلی» و «خیر» است. چنین سوالاتی جای بحث ندارند.
- سوالاتی که جوابشان فرضی است.
- سوالاتی که بیش از اندازه طولانی است و به یاد نمی ماند.
- سوالات سوال در سوال - هر بار فقط یک سوال پرسید.
- سوالات هم این و هم آن. اینگونه سوالات جواب را محدود به دو می کند که شاید نخواهند که هیچکدام آنها را برگزینند.
- سوالات منفی در منفی. (مثلا «آیا به عقل جور در نمی آید که اینکار را نکنیم؟»)

از سوالاتی که جوابشان تشریحی است، استفاده کنید

نمونه سوالات زیر، سوالاتی هستند که شخص را به توضیح وامی دارند. از اینگونه سوالات استفاده کنید:

- منظورتان از این سخن چه بود؟
- می توانید در این مورد مثالی بزنید؟

- در کجای کتابمقدس می توانیم آن را پیدا کنیم؟
- آنچه که می گوئید به گفته قبلی ما چگونه مربوط می شود؟
- آیا چنین کاری را در میان کارهای خدماتی ما دیده اید؟
- چنین چیزی را در کلیسای خود چگونه می توانیم بکار گیریم؟
- اگر چنین است، کاربردهای چه هستند؟
- آیا می توانید این اصطلاح را تعریف کنید؟

ضمیمه ۴: از پس مشکلاتی که پیش می‌آیند، چگونه برآییم؟

۱- غیبت پشت سر هم

دل‌سرد نشوید. به افراد تلفن کنید و به آنها یادآور شوید که بودن آنها در گروه بسیار مهم است.

۲- سوالات مشکل

اگر جواب را نمی‌دانید، صادق باشید. همیشه می‌توانید از کسی دیگر جواب را پرسیده و برای دفعه بعد حاضر کنید. اگر نمی‌دانید، وانمود نکنید که می‌دانید.

۱- جوابهای «غلط»

اگر جوابی مطابق با کلام خدا نیست، آن را مستقیماً ابراز نکنید. بهتر است از فرد دیگری از گروه بخواهید که فکر خود را در آن زمینه بیان دارد و یا با سوآلی دیگر سوآل قبلی را بیشتر واضح کنید. هر چند که گاهیگاهی مجبورید نظریات غلط را اصلاح کنید.

۲- مزاحمت‌های فاریبی

سعی کنید که از مزاحمت‌های پرهیزید و در این مورد اقدامات لازم را به عمل آورید. حتماً کسی در آنجا باشد که به تلفن‌ها جواب دهد و تلفنهای همراه هم باید خاموش و یا روی زنگ ساکت قرار داشته باشد. برخی از مزاحمت‌ها علیرغم همه پیشگیری‌ها باز حادث می‌شوند. در چنین مواقعی مزاحم را دست به سر کرده، و به کار خود در گروه برگردید.

۳- بحث و جدل‌ها

از آنها به نفع خود استفاده کنید، مگر اینکه موضوع بیشتر شخصی باشد تا الهیاتی. سعی کنید در اینگونه مواقع گروه را هم در آن دخالت دهید.

۴- قصور در تأیید نظریاتی که به موضوع کمک می‌کند

نظر گروه را دوباره به سوآلی که شخص پرسیده است، برگردانید. اگر سوآل در مسیر موضوع است، برای آن به دنبال جواب بگردید. اگر در مسیر موضوع نیست، مشخص کنید که کی و چطور به دنبال جواب آن خواهید رفت. در هر صورت، سعی کنید که سوآل کننده به نحوی مطرح باشد.

۵- گم کردن حقایق و انحراف از موضوع

با حقایق همیشه سعی کنید که تمرکز گروه را روی موضوع مورد بحث نگهدارید. پرسیدن سوآل، معمولاً شیوه کارآیی است. اگر موضوعات مختلف در کار است، می‌توانید برای بحث در روی هر کدام، مدت زمان تعیین کنید.

۶- آنهایی که دیر می‌آیند

برنامه داشته باشید. جلسه را در زمان تعیین شده و یا زمانی که حداکثر افراد حاضر هستند، شروع کنید. اگر قرار است افراد دیگری هم برسند، حتماً برای آنها جای خالی بگذارید تا زمانی که می‌آیند، باعث به هم ریختن جلسه نشوند. فرد رهبر افراد دیر آمده را می‌تواند با این سخنان خوش‌آمد بگوید: «خوش آمدی ... ما داشتیم در مورد ... صحبت می‌کردیم.» و بعد صحبت را ادامه دهد. از توضیحات طولانی و یا دوباره شروع کردن پرهیزید.

۷- شیوه‌های مباحثات

کاری کنید که نظرات مخالف مطرح شوند. سوآلات تحریک کننده پرسید. موضوعات را عوض کنید. بذله گو باشید.

ضمیمه ۵: چگونه از پس افراد مشکل‌زا برآییم؟

کسی که رشته سخن را از موضوع پرت می‌کند.

- گوشزد کنید که از موضوع پرت شده و دوباره موضوع را به او یادآور شوید.
- بگویید: «سوال خوبی است، ولی نمی‌توانیم الآن آن را مطرح کنیم.» بعد از این جلسه باهم روی آن صحبت می‌کنیم.
- جوابی کوتاه داده و رد شوید
- بخاطر مطرح کردن آن موضوع و یا سوال او را کوچک نکنید و به انتقاد نکشید.
- خصوصی با او صحبت کرده، اهداف این مطالعه را برایش توضیح دهید.
- جواب سوال او را با سوآلی دیگر بدهید.

کسی که متکلم وحده می‌شود و اجازه صحبت به دیگران نمی‌دهد

- از دیگر افراد نظر آنها را در آن مورد بپرسید.
- بعد از کلاس از او بخاطر اشتیاقی که از خود نشان می‌دهد تعریف کنید و به او بگویید که با اجازه دادن به دیگران آنها را در بیان عقایدشان کمک کند.
- روبروی او ننشیند (جایی که می‌شود او را روبرو نگاه کرد)، کنار او بنشینید.

کسی که دائم ساکت است. فقط نگاه می‌کند و لبخند می‌زند

- از او در ابتدای جلسه سوآلی کنید که جوابهای ممکن زیادی دارد.
- سوآلی آسان از او بکنید.
- قبل از شروع، از او جهت آماده کردن جلسه کمک بگیرید.
- زمانی که چیزی می‌گوید، قدردانی خود را نشان دهید.
- او را تحت فشار نگذارید و خجالتش هم ندهید.
- بعد از کلاس به او خاطر نشان کنید که نظراتش می‌توانند برای گروه خیلی مفید باشند.

کسی که خدمت جوک به گردن دارد و هر چیزی را سبک می‌کند

- بعد از بذله‌گویی‌اش از او بپرسید که واقعاً در رابطه با آن موضوع چه فکر می‌کند.
- بعد از کلاس از او بخاطر بذله‌گویی‌اش تشکر کنید و در عین حال او را تشویق کنید که مطالب جدی را بصورتی جدی بیان کند.

نظریات دیگران را کوچک می‌کند و همیشه در رد نظر دیگران دلایل مکفی دارد

- صبور باشید. احمق را مطابق حماقتش جواب ندهید.
- بخاطر علاقه‌ای که نشان می‌دهد، تشکر کنید.
- بگویید که بعد از کلاس خوشحال خواهید شد در مورد اختلاف نظرهایتان بیشتر صحبت کنید.
- خصوصی با او صحبت کنید و او را از اثرات منفی رفتار خود بر دیگران آگاه نمایید.
- از گروه زمانی که کوچک کرده می‌شوند، جانبداری کنید.

هیچوقت چیزی از خود نمی‌گوید. همیشه صبر می‌کند که گروه به نتیجه برسد. آنگاه او هم ملحق می‌شود.

- در ابتدای بحث از او سوآلی بکنید که جوابش را می‌داند و وقتی جواب می‌دهد او را تأیید کنید.
- به حساسیت مطلب توجه داشته باشید ولی شاید بد نباشد علت موافقتش را با دیگران از او جویا شوید.

بیش از اندازه به الهیات تکیه دارد

- او را محبت کنید و از نظریاتی که می‌دهد، قدردانی نمایید.
- در روی موضوع بحث برانگیز مشخص کنید که موضوع را از دید بخصوصی می‌نگرید.
- بعد از کلاس با او صحبت کنید و نظر کلیسایتان را در مورد آنچه که بحث می‌شد، به او بگویید.

کسی که همیشه بیش از شما می‌داند

- بعد از کلاس با او صحبت کنید. با فروتنی قبول کنید که بیشتر از شما می‌داند.
- ببینید چه کمکی می‌تواند بکند. شاید رهبری برخی جلسات را به او بدهید.
- از وجود او احساس خطر نکنید، بلکه خوشحال باشید. اگر درست برخورد کنید، کمک بسیار خوبی خواهد بود.

فرد غیر مسیحی

- در حین کلاس به او بند نکنید.
- او را هم مثل دیگران در گروه قرار بدهید ولی حضور او را در گروه از یاد نبرید.
- سعی کنید که به شکل انفرادی با او وقت داشته باشید. در زمان صحیح پیام انجیل را با او در میان گذارید.
-